

## عنوان مقاله:

حکمرانی خوب، سرمایه‌ی اجتماعی و اعتماد سیاسی

## محل انتشار:

فصلنامه دولت پژوهی، دوره 8، شماره 32 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 38

## نویسندگان:

ایرج رنجبر - استادیار علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

سمیرا غلامی - دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

## خلاصه مقاله:

در این مقاله اهتمام بر آن بود که مقوله «اعتماد سیاسی» و نحوه ایجاد و انباشت آن در نسبت با «سرمایه اجتماعی» تبیین شود. در این رویکرد، اعتماد به عنوان یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی نه ویژگی ذاتی افراد بلکه جنبه‌ای از شرایط و محیطی محسوب می‌شود که افراد در چارچوب آن دست به عمل می‌زنند. بدین سان، منشا ایجاد سرمایه اجتماعی در جوامع مختلف با سطح توسعه یافتگی متفاوت، متغیر خواهد بود. سنت‌های دیرین، باورهای محلی و کارآمدی نظام سیاسی هر یک به تنهایی یا در ترکیب با هم می‌توانند منشا ایجاد سرمایه اجتماعی باشند. دعوی اصلی مقاله حاضر این است که تنها آن نوع سرمایه اجتماعی می‌تواند خالق «اعتماد سیاسی» پایدار باشد که مولود الگوی «حکمرانی خوب» است؛ چراکه این الگو، فراتر از «حکومت»، مشتمل بر «جامعه مدنی» و «فرد-شهروند» توانمند است که با خلق سرمایه اجتماعی در ابعاد کلان، میانی و خرد کلیت نظام اجتماعی، به طور غیرمستقیم بسترساز اعتماد سیاسی مدنی و عقلایی می‌گردد. ادعایی که در پرتو مدلی «فرا نظریه‌ای»، بدین معنا که نسبت میان حکمرانی خوب، سرمایه اجتماعی و اعتماد سیاسی در مقام یک «نظریه»، مورد سنجش قرار گرفته است. استوار بر این استدلال، «حکمرانان» برای تعمیق و نهادمندی اعتماد سیاسی باید ذهن خود را بر تغییر پارادایمی متمرکز نمایند که در ماهیت اعمال سیاست ورزی در دهه پایانی قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم رخ داده است. روش گردآوری داده‌ها در این مقاله اسنادی و کتابخانه‌ای و روش داورى و تفسیر اطلاعات گردآوری شده نیز تحلیلی و تبیینی است.

## کلمات کلیدی:

حکمرانی خوب، سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد سیاسی، مدل‌های حکمرانی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1632136>

